

## معیارهای تحول در رشته اقتصاد از دیدگاه متخصصین شاغل در بازار کار

حسین صادقی<sup>۱</sup>

حمید آسایش<sup>۲</sup>

محمد رضا محمدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱

### چکیده

با عنایت به دلایل مختلف امروزه اصلاح دوره کارشناسی رشته اقتصاد و حذف گرایش‌ها در راستای تحول علوم انسانی مورد تأکید قرار گرفته است، لیکن بررسی نظر دانش آموختگان رشته شاغل در بازار کار حاکی از این موضوع می‌باشد که طبق نظر نمونه ۳۵۰ نفری از متخصصین اقتصاد با استفاده از روش تحلیل سلسه مراتبی از بین اقدام‌های اصلاحی از قبیل تقویت دروس اسلامی، تقویت دروس کلیدی، يومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران، معرفی دروس بین رشته‌ای به منظور تقویت قدرت تحالیلی دانشجویان اقتصاد، معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی و تدوین چارچوب برای دروس، شاخص‌های مرتبط با ایجاد چارچوب مدون و مشخص برای دروس رشته و اضافه نمودن گرایش‌های کاربردی در رشته اقتصاد و معرفی دروس بین رشته‌ای دارای اولویت از دیدگاه بازار کار می‌باشد.

کلمات کلیدی: رشته اقتصاد، تحول، تحلیل سلسه مراتبی، گرایش

طبقه‌بندی JEL: A20, C60, D21, I21

1- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

2- استادیار دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

3- عضو هیات علمی دانشگاه امام خمینی نوشتر

## مقدمه

از اهداف مهم تدریس علم اقتصاد در هر جامعه، کمک به تنظیم مناسبات زندگ اقتصادی مردم براساس فرهنگ و بوم آن جامعه است. در این صورت، باید به ویژگی های علم اقتصاد توجه ویژه ای کرد. و تدریس اقتصاد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بومی سازی اقتصاد در هر جامعه، از یک طرف، مستلزم توجه محوری به ساختار، شرایط و واقعیت های اقتصادی و از طرف دیگر، توجه به ارزش های آن جامعه است. بنابراین، اهداف کلی علم اقتصاد به اختصار عبارت اند از: نخست، تحلیل سلوک و رفتار عملی انسان در زندگی اقتصادی؛ دوم، تحلیل سلوک و رفتاری که انسان بر مبنای ارزش های پذیرفته شده در زندگی اقتصادی، از خود نشان می دهد؛ و سوم، تجویز راهکارهای مناسب برای تحقق بایدها و ارزش های پذیرفته شده. از آنجا که علم اقتصاد دائماً در تحول و پیشرفت است، تحقق این اهداف الزاماً مستلزم نوین سازی مستمر تدریس اقتصاد است.

امروزه اکثر اقتصاددانان توسعه و دانش آموختگان متفق القولند که نظریه اقتصادی سنتی، تناسب محدودی با جریانات اقتصادی کشور دارد. شاید گونارد میردال، اقتصاددان بر جسته سوئی و برنده جایزه نوبل، درخصوص کاربرد نظریه ها و مفاهیم اقتصادی سنتی در کشورهای فقیر، بهترین اظهارنظر را کرده است: «وقتی نظریه ها و مفاهیمی که مناسب با شرایط خاص دنیای غرب طرح شده اند، بدون تناسب برای مطالعه کشورهای در حال توسعه که با شرایط دنیای غرب مطابقت ندارند، بکار می روند، عواقب وخیمی در انتظار است.»

امروزه، اساتید و دانش آموختگان و صاحب نظران اقتصادی، بیشتر با این نظریه ها آشنا هستند تا با واقعیت های اقتصادی جامعه خود. به همین دلیل، در دانشگاه ها علم از عمل جداست و کتاب های منتشر شده در زمینه های اقتصادی، یا کاملاً نظری هستند و یا صرفاً توضیح واقعیت اند. در زمینه ارتباط واقعیت ها با نظریه های اقتصادی نیز به ندرت به منابع قابل توجیه می توان دست یافت. بنابراین تحول علم اقتصاد در سایه تحول علوم انسانی از ضرورت های علم اقتصاد می باشد و در این تحول باید به کنش و واکنش متقابل از طرف نظام تولید علم و نظام اجرایی، توجه نمود. بطور کلی ساختار آموزشی با عنایت به عوامل مختلف از قبیل نیاز به تخصص ها در بازار کار، ارتباط با صنعت، حل مشکلات کشور و ... نیاز به اصلاح ساختار دارد که در این تحقیق به نحوه اصلاح ساختار در سطح کارشناسی اقتصاد از دیدگاه دانش آموختگان شاغل در بازار کار می پردازد.

## ادبیات موضوع

از نظر شهید صدر، علم اقتصاد عبارتست از: علمی که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر می‌کند و ارتباطشان را با اسباب و علل آنها بیان می‌دارد. در واقع، علم اقتصاد، قوانین حاکم بین پدیده‌های عینی را کشف می‌کند. علم اقتصاد، پیوسته در عرصه اکتشاف پدیده‌های اقتصادی عینی و شناسایی علل و آثار و معنکس کننده قوانین و روابط بین آن‌هاست. پس رسالت دانش اقتصاد، کشف پدیده‌های اقتصادی و تحصیل علل و قوانین حاکم بر آن‌هاست. لذا دانش آموختگان اقتصاد باید بتوانند از این علم استفاده لازم را بنمایند. بطور کلی طبق چارچوب مشخصات کلی دوره کارشناسی رشته اقتصاد از تصویب برنامه فعلی رشته علوم اقتصادی در سطح کارشناسی سال‌های زیادی می‌گذرد و خلاصه‌ای از مراحل مختلف تصویب و بازنگری این برنامه به شرح ذیل به استحضار می‌رسد:

- ۱- برنامه آموزشی رشته علوم اقتصادی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۳ به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی سابق رسید و پس از ابلاغ به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی که مجوز ارائه برنامه مذبور را داشتند به اجرا درآمد.
- ۲- پس از دو سال از اجرای برنامه یاد شده، کمیته برنامه ریزی آموزشی اقتصاد و امور بازرگانی به منظور ارزیابی-کارایی این برنامه، شروع به نظرخواهی از موسسات مجری نمود. براساس پیشنهادها و اصلاحات رسیده از واحدهای یاد شده، کمیته مذبور، تجدید نظر در برنامه کارشناسی مصوب را آغاز کرد و یک برنامه تجدیدنظر شده پیشنهادی تهیه کرد.
- ۳- برنامه اخیر مجدد برای همه مؤسسات آموزشی مجری و همچنین به بخش‌های برنامه ریزی و آموزشی وزارت‌خانه‌ایی که وزیر مربوط عضو شورای اقتصاد بودند و نیز به سایر مؤسسات اقتصادی کشور نظیر بانک مرکزی و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران فرستاده شد. پس از دریافت پیشنهادها و اظهارنظرهای موسسات نامبرده، تجدیدنظرهای برنامه کارشناسی اقتصاد از مهر ماه ۱۳۶۵ در کمیته برنامه‌ریزی آموزشی شروع شد و پیشنهادهای رسیده در جلسات هفتگی کمیته از تاریخ مذبور تا آبان ماه ۱۳۶۶ مورد رسیدگی قرار گرفت.
- ۴- نتیجه اقدامات فوق الذکر این بود که برخی ضوابط آموزشی مصوب تغییر کرد که از جمله آن‌ها می‌توان تقلیل واحدهای آموزشی دوره از ۱۶۶-۱۶۲ واحد به ۱۴۶-۱۴۲ را نام برد. تعدادی از وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات اقتصادی کشور خواستار اجرای دوره کارشناسی علوم اقتصادی با تکیه برزمینه تخصصی خاص شده بودند. بنابراین لازم بود که در این تجدیدنظرهای از تجربیات اجرای برنامه بهره‌برداری شود سپس پیشنهادهایی که رسیدن به اهداف برنامه را تسريع میکرد به متن برنامه اضافه شد تا نیاز آموزشی مؤسسات مقاضی برای ارائه زمینه‌های تخصصی به نحو مطلوبی

تأمین گردد. سرانجام، برنامه تجدیدنظر شده رشته علوم اقتصادی با ۱۴۵ واحد و شش گرایش (اقتصاد نظری، اقتصاد بازارگانی، اقتصاد صنعتی، اقتصاد حمل و نقل، اقتصاد پول و بانکداری و اقتصاد کشاورزی) تهیه گردید.

-۵ مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروسی که در حال حاضر در دوره کارشناسی رشته علوم اقتصادی برای دانشگاه‌های کل کشور تعریف شده و در حال اجراست مربوط به سیصد و بیستمین مصوبه جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۷ می‌باشد. در برنامه کنونی طول دوره کارشناسی علوم اقتصادی در هر شش گرایش چهار سال است و نظام آموزشی آن واحدی است. تمامی دروس در هشت نیمسال تحصیلی ارائه می‌شود. طول هر نیمسال تحصیلی ۱۶ هفته است. مدت هر واحد نظری ۱۶ ساعت و هر واحد عملی ۳۲ ساعت در طول یک نیمسال تحصیلی است.

تعداد واحدهای درسی برای هر گرایش در برنامه کارشناسی علوم اقتصادی ۱۳۵ واحد می‌باشد. بطور کلی ایرادات متعددی درخصوص آموزش امروزه اقتصاد وجود دارد؛ بطور مثال در جوامع اسلامی ایران، لزوم تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی و بومی در عمل مورد نیاز است. با وجود نوظهور بودن مبحث اقتصاد اسلامی در میان مسلمانان و در ادبیات اقتصادی جهان، نیاز و اشتیاق به این موضوع باعث توسعه قابل توجه ادبیات اقتصاد اسلامی شده است. همگام با این روند توسعه، چندین دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه‌هایی از اقتصاد اسلامی در سطح کشورهای مسلمان و در مقاطع مختلف کرده‌اند. اما، یکی از محدودیت‌های اساسی، به قابلیت‌های مدرسان، برنامه درسی و متون درسی باز می‌گردد. تا وقتی که مدرسان اقتصاد با رویکرد اسلامی، اقتصاددانانی متبحر و مسلط به مبانی علمی اقتصاد متعارف با تجربه تدریس و به ویژه تحقیق، کافی نباشند، شرط لازم موقفيت حاصل نیست. شرط کافی، اسلام شناس بودن این مدرسان و محققان است که بسیار فراتر از آشنایی آن‌ها با فقه است. این آگاهی اسلامی به طور معمول، بدون تحصیل و ممارست جدی و بدون گام برداشتن در نظریه‌پردازی در این وادی، به طور مؤثر اسلامی نمی‌شود. "قیل و قالهای" قابل اکتساب و کاربردی نیست و رویکرد اقتصاد با نقل البته، بدیهی است که به تناسب سطح توفیق مدرسان در تحصیل این قابلیت‌ها، درجهات موفقیت در امر تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی متفاوت خواهد بود. یکی از مشکلات اساسی دیگر در این باره، به طور کلی، فقدان برنامه درسی و متون و مواد درسی مناسب و کافی برای تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی است. البته، بحث درخصوص هر یک از مقولات این مبحث، مستلزم غور در حوزه‌های جداگانه‌ای از معرفت است که نه در استطاعت نگارنده و نه در حوصله این مقال است. بنابراین، در این مجال، بحث صرفاً به اقتصاد خرد محدود می‌شود. در برایند این رویکرد در حوزه تولید علم سبب شد که براساس آمار فرهنگستان علوم، از

۸۰۰ عنوان کتاب منتشره در زمینه مباحث اقتصاد دانش اقتصاد در کشور، کمتر از ۲۰ عنوان به مباحث اقتصاد اسلامی اختصاص یابد و همین وضعیت برای مقالات علمی پژوهشی انتشار یافته، رساله‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و سایر زمینه‌ها قابل تصور است. با این وصف، اگر فاصله تولید علم در دانش اقتصاد نظام آموزشی رسمی ایران را با مرز دانش جهان با میزان ذکر شده در بخش‌های پیشین مقاله به صورت مبنا در نظر بگیریم می‌توان داوری کرد که تولید علم در زمینه اقتصاد اسلامی، با فرایند تولید علم اقتصاد در نظام آموزش رسمی فاصله قابل توجهی دارد و شکاف قابل توجه آن تا حد قابل توجهی معطوف به فقدان تقاضا بر این مباحث در سطوح گوناگون جامعه است.

همچنین شورای تحول بدبان اصلاح رشتہ اقتصاد برآمد زیرا معرفی گرایش‌های شش گانه در دوره کارشناسی رشتہ اقتصاد مربوط به سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ می‌باشد که به دلایل ذیل حذف این گرایش‌ها و تقویت دروس کلیدی ضروری به نظر رسید، ضمن آنکه با معرفی دروس جدید می‌توان دانشجویان دوره کارشناسی را با مسائل بیشتری در حوزه‌های اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران، اقتصاد جهان و بومی سازی نظریات اقتصادی آشنا نمود که نهایتاً موجب تقویت سرمایه انسانی در کشور خواهد بود.

**دلیل اول:** هدف از دوره کارشناسی علوم اقتصادی تربیت کارشناسانی است که با کسب اطلاعات عمومی و جامع در رشتہ اقتصاد بتوانند:

- ۱- وارد مشاغل عمومی در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی بشوند.
- ۲- ظرفیت کافی برای کسب مهارت‌های تخصصی به دست آورند تا بتوانند در مشاغلی که نیاز به تخصصهای فنی حرفه‌ای دارد (بانک‌ها، بیمه، شرکت‌های تجاری و مالی تخصصی و نظایر آن) جذب شوند.
- ۳- ظرفیت علمی کافی برای ادامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد را کسب نمایند. با توجه به معیارهای سه گانه فوق‌الذکر به نظر رسید که ارائه یک دوره کارشناسی علوم اقتصادی (بدون گرایش) بتواند این اهداف را بهتر تأمین نماید.

**دلیل دوم:** گرایش‌های موجود در دوره کارشناسی از چنان سطح تخصصی برخوردار نیست که دانش آموختگان کارشناسی با یکی از آن گرایش‌ها بتوانند مسئولیت‌های تخصصی در سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی را بپذیرند. این تخصص‌ها را می‌توان در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری ارائه نمود که قرار است در بازنگری برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تقویت شود.

**دلیل سوم:** سازمان‌ها یا نهادهای اقتصادی در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی معمولاً در آگهی‌های استخدامی، متقاضی دانش آموختگان کارشناسی اقتصاد هستند و جز در موارد بسیار نادر تأکیدی بر گرایش ندارند.

شاید در سال‌های گذشته چنین تأکیدهایی وجود داشته اما با توجه به گسترش دوره‌های کارشناسی ارشد تخصصی و دکتری در اقتصاد، هم اکنون دوره کارشناسی اقتصاد معمولاً به صورت یک دوره عمومی مدنظر قرار می‌گیرد و لذا سازمانهای دولتی و خصوصی، بعد از استخدام دانش آموختگان دوره کارشناسی، رأساً دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را برای این دسته از استخدام شدگان برگزار می‌نمایند. **دلیل چهارم** با بررسی ۶۸ دانشگاه برتر جهان، ملاحظه شد که دوره کارشناسی علوم اقتصادی به صورت عمومی بوده و اساساً فاقد گرایش تخصصی می‌باشد.

همچنین دلایل دیگری نیز مطرح می‌گردند، در جامعه، تقاضا برای دانش و به طور خاص برای دانش اقتصاد عموماً به وسیله دو گروه صورت می‌گیرد: گروه اول، سیاستگذاران و مدیران دولتی (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بخشی) که تصمیم‌های کلان را اتخاذ، و سیاستگذاری می‌کنند و گروه دوم مدیران بنگاه‌های بخش خصوصی که برای برنامه‌های توسعه‌ای خود نیازمند یافته‌های جدید پژوهشی و دستاوردهای نو علمی هستند.

همچنین منتقاد روش شناسی اقتصاد چند ایراد پیرامون آن مطرح کرده‌اند. کالدول صاحب نظر بر جسته در روش شناسی اقتصاد، ضمن بر شمردن این ایرادها، پاسخ گونه‌هایی به آن‌ها می‌دهد که به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

ایراد اول: آن است که اصولاً یادگیری روش شناسی شرط اقتصاددان شدن نیست، بنابراین با توجه به کمیابی منابع، مناسب است دانشجویان در موضوعاتی چون اقتصادسنجی و سایر شعبات کاربردی اقتصاد، سرمایه‌گذاری کنند. ایراد یادشده مخدوش است زیرا پیش فرض مذکور احتمالاً این است که علم اقتصاد یک رشته یکنواخت، شفاف و با عناصر کاملاً تعریف شده است. بدیهی است که اگر این ادعا درست باشد نیازی به روش شناسی اقتصاد نیست. برخی از اقتصاددانان چنین فکر می‌کنند و ویژگی‌های فوق را برای اقتصاد پذیرفته‌اند و آن را رشته‌ای ثبت شده همانند فیزیک تلقی می‌کنند.

ایراد دوم: این است که اصولاً روش شناسی به تجویز و قضاوت فیلسوفانه در مورد بهترین روش‌های علوم مربوط می‌شود. ولی فلاسفه با علم اقتصاد آشنایی ندارند، بنابراین دغدغه آن‌ها با دغدغه اقتصاددانان ارتباط بسیار کمی دارد. کالدول این ایراد را نیز غیرقابل قبول تلقی می‌کند. کالدول می‌گوید این نوع اظهارنظرها و تجویزهای فلسفی پیرامون اقتصاد، لزوماً از سوی فلاسفه صورت

نگرفته و عمدتاً اقتصاددانان به آن پرداخته‌اند. این اظهارنظرها گاهی از ناحیه اقتصاددانانی صورت گرفته‌اند که می‌خواهند چگونگی اقتصاد را بهتر بشناسانند (مثل ساموئلسون) و گاهی برای آن است که نشان دهند چگونه می‌توانیم اقتصاد را علمی‌تر کنیم (مثل تلاش بلاگ و هاچیسون). به عبارت دیگر، اصولاً اقتصاددان‌ها می‌خواهند رشته خود را علمی جلوه دهند، بنابراین ناچارند از روش شناسی استفاده کنند. همانطور که اشاره شد، یکی از پرسش‌های روش شناسی اقتصاد بحث علمی بودن و نبودن خود این رشته است. در این صورت طبیعی است که موضوع به فلسفه کشیده می‌شود.

سومین ایراد: نسبت به روش شناسی آن است که بحث‌های روش شناسی به نتایج قطعی نمی‌رسند و شاید به این دلیل است که تنها گروه‌های فرعی اقتصاددانان به آن علاقمند هستند. البته این که منتقدان نظریه ارتدوکس نئوکلاسیک از روش شناسی استفاده می‌کنند، صحیح است. اما نمی‌توانیم آن‌ها را گروه فرعی تلقی کنیم و یا استفاده کنندگان روش شناسی اقتصاد را تنها منحصر به آنان بدانیم. هر تحلیل گر اقتصادی که بخواهد در مورد قوت و اعتبار نظریه‌های اقتصادی اظهارنظر و یا در مورد استحکام روش‌های تجزیه و تحلیل قضاوی کند، نیازمند مطالعات روش شناسی خواهد بود. بنابراین این امر به گروه کم و یا گروه زیاد و یا صرفاً منتقدان نظریه خاصی مربوط نمی‌شود. مثلاً نقد نظریه اقتصادی مارکسیستی یا نهادگرا توسط برخی از اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز نیازمند پژوهش روش شناسی است. کار هر اقتصاددانی که به الگوسازی و آزمون نظریه‌ها اقدام می‌کند، بر روش شناسی استوار است. کالدول تصویر می‌کند که: «روش شناسی (گوبی) مثل تفاسیر (و توصیفات)، همه جا حاضر است، بنابراین انکار آن، غرق شدن در ابهام (و کج اندیشه) را به دنبال دارد.»

#### پیشینه تحقیق:

در خصوص لزوم تحول در آموزش اقتصاد در ایران تحقیقات مختلفی از جنبه‌های خاص انجام شده است بطور مثال از در مقاله زراء نژاد (۱۳۹۲) بحث در مورد آموزش اقتصاد خرد با رویکرد بومی‌سازی و نوین‌سازی انجام شده است. از آنجا که علم اقتصاد دائماً در تحول و پیشرفت است، تحقق این هدف الزاماً مستلزم نوین‌سازی مستمر است. بنابراین، تدریس اقتصاد با رویکرد بومی‌سازی و نوین‌سازی ضروری اجتناب ناپذیر است. بومی‌سازی اقتصاد در هر جامعه، مستلزم توجه محوری به ساختار، سرایط و واقعیت‌های اقتصادی و توجه به ارزش‌های آن جامعه است. این الزام در جوامع اسلامی، در عمل، به مفهوم لزوم تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی است موفقیت در این امر مستلزم وجود اقتصاددانان اسلام‌شناس با سابقه تدریس و تحقیق کافی و مؤثر و تدوین

متون و مواد درسی مناسب و کافی است. براساس نتایج این مطالعه، تدریس باید با بررسی و نقدهای انسان اقتصادی آغاز گردد؛ سپس، برخی از ملاحظات روش شناختی موردنظری قرار گیرد در این زمینه، لازم است که نظریات علمی به عنوان مجموعه‌ای از گزاره‌های تبیین کننده روابط علی‌پدیده‌ها شامل پیش‌فرض‌ها، گزاره‌های ارزشی و گزاره‌های توصیفی معرفی شوند. باورهای دینی و ارزش‌های اخلاقی در ساختار پیش‌فرض‌ها و تکوین نظریات علمی کاملاً مؤثر هستند. همچنین، باید روش تفکر اقتصادی و شیوه‌به کارگیری رویکردهای خلاق آموزش داده شود و از ترویج صرف نظریه‌های اقتصادی احتراز گردد. نباید به پیش‌فرض‌ها و رویکردهای تحلیلی مسلط، ندانسته اعتباری ایدئولوژیک بخشید و بدون تأمل آن‌ها را پذیرفت و ترویج داد. برخلاف ادعای مسلط در ادبیات اقتصادی، رفتار واقعی انسان به شدت تحت تأثیر ملاحظات اخلاقی و برگرفته از مجموعه بسیار غنی از ارزش‌ها و ترجیحات است. شواهد تجربی نیز نشانده است که در جوامع پیشرفت‌های مانند امریکا، آلمان، روسیه و جوامعی مانند قبایل کوچروی اندونزی، رفتار مردم بر مبنای خودخواهی نیست در شرایط موجود، با توجه به اقبال نسبی به رویکردهای اخلاق‌مدارانه و دینی به اقتصاد و تقاضای روزافزون جوامع اسلامی برای تدوین و تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی، باید تلاش مؤثر کرد تا متون اقتصادی با رویکردی اسلامی تدوین شود. در این ارتباط، تنظیم و ارائه سرفصل‌های دروس اقتصاد، به ویژه اقتصاد خرد، با رویکرد اسلامی برای تدریس در رشته اقتصاد در مقاطع کارشناسی و بالاتر بسیار مهم و لازم می‌نماید.

در خشان (۱۳۹۱)<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی، نخست به نعریف و بررسی اجمالی رویکردهای تقلیدی و بومی به نظریات اقتصادی رایج از دیدگاه اقتصاد اسلامی می‌پردازد و سپس مفاهیم بومی و بومی سازی را از دیدگاه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری به اجمال معرفت می‌کند. رویکرد بومی را با دو رویکرد تطبیقی و مبنایی تقسیم کرده و نشان می‌دهد که در رویکرد تطبیقی، نقد فروض پایه‌ای در نظریات اقتصادی منطق انتزاع در نظریه پردازی‌های اقتصادی و تبیین کاستی‌های منطق انتزاع در نظریه پردازی‌های اقتصادی به ویژه در سناسایی فعالان اقتصادی و جایگاه آنان در نظریات اقتصادی به ویژه در سناسایی فعالان اقتصادی و جایگاه آنان در نظریات اقتصادی رایج می‌تواند ثمربخش باشد. با وجود این، رویکرد تطبیقی فاقد ظرفیت کافی برای نظریه پردازی در اقتصاد

۱- در خشان، مسعود، (۱۳۹۱)، بومی‌سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۲، ۷۱-۳۳

اسلامی است و لذا نمی‌توان آن را در سیاستگذاری‌های اقتصادی بکار گرفت. مقاله بدین نتیجه رسید که رویکرد مبنایی، تنها راهکار برای بومی‌سازی اقتصاد و شرط لازم برای ساختن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد.

### روش تجزیه و تحلیل

در این تحقیق از فرایند تحلیل سلسله مراتبی<sup>۱</sup> (AHP) جهت اولویت‌بندی شاخص‌های موثر بر تغییرات علم اقتصاد، استفاده می‌شود. AHP روشی است که در آن یک وضعیت پیچیده، به بخش‌های کوچکتر آن تجزیه شده، سپس این اجزا در یک ساختار سلسله مراتبی قرار می‌گیرد. این فرایند شیوه‌ای برای ساماندهی اطلاعات و قضاوت‌ها و بکاربردن آنها در تصمیم‌گیری براساس تووانایی، احساسات و منطق موضوع مورد نظر ارائه می‌دهد، پس از آن قضاوت‌ها در قالب نتیجه‌ای با هم ترکیب می‌نماید که با انتظارات درونی همخوانی دارد. از این فرایند برای طبقه‌بندی گزینه‌ها و تخصیص منابع می‌توان استفاده کرد. این فرایند گزینه‌های مختلف را در تصمیم‌گیری دخالت داده و امکان تحلیل حساسیت روى معیارها و زیرمعیارها را دارد، علاوه بر این مبنای مقایسه زوجی بنا نهاده شده، که قضاوت و محاسبات را تسهیل می‌نماید. همچنین میزان سازگاری و ناسازگاری تصمیم را نشان می‌دهد که از مزایای ممتاز این تکنیک در تصمیم‌گیری چند معیاره می‌باشد. فرایند طوری طراحی شده که با ذهن و طبیعت بشري مطابق و همراه می‌شود و با ان پیش می‌رود. این فرایند مجموعه‌ای از قضاوت‌ها (تصمیم‌گیری‌ها) و ارزش‌گذاری‌های شخصی به یک شیوه‌ی منطقی می‌باشد بطوریکه می‌توان گفت تکنیک از یک طرف وابسته به تصورات شخصی و تجربه جهت شکل دادن و طرح ریزی سلسله مراتبی یک مسئله بوده و از طرف دیگر به منطق، درک و تجربه جهت تصمیم‌گیری و قضاوت نهایی مربوط می‌شود. کلیه افراد اعم از دانشمندان اجتماعی و فیزیکی، مهندسان و سیاستمداران و حتی افراد عامی می‌توانند این روش را بدون استفاده از متخصصین به کار ببرند. امتیاز دیگر فرایند تحلیل سلسله مراتبی این است که ساختار و چهار چوبی را جهت همکاری و مشارکت گروهی در تصمیم‌گیری‌ها یا حل مشکلات مهیا می‌کند. فرایند تحلیل سلسله مراتبی با تجزیه‌ی مسایل مشکل و پیچیده‌انها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل انها می‌پردازد. این روش کاربردهای فراوانی در مسائل اقتصادی و اجتماعی پیدا کرده است و در سال‌های اخیر در امور مدیریتی نیز به کار رفته است. برای حل یک مسئله یا تصمیم گام‌های زیر باید برداشته شود :

#### ۱. ساختن سلسله مراتبی

1-Analytical Hierarchy process

۲. محاسبه وزن  
۲. سازگاری سیستم

### قلمرو تحقیق

در این تحقیق دانش آموختگان اقتصاد در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دانشجوی دکترا و دکتری مورد بررسی قرار می‌گیرند که به طور عام جذب دیوان سalarی اداری و شرکتی شده، در مشاغل کارشناسی یا حوزه مدیریت میانی مشغول به امور اجرایی می‌شوند و عملاً در فرایند تولید علم در حوزه دانش اقتصاد نقش و تأثیری ندارند. بدین لحاظ که آن‌ها به نمایندگی از بازار کار نیازهای فنی را بیان می‌نمایند. از نظر رده‌های شغلی آزمودنی‌های تحقیق در ۲ گروه دولتی و خصوصی به شرح جدول زیر تقسیم بندی شدند:

**جدول ۱- گروه شغلی پاسخ دهنده‌گان**

درصد فراوانی	فراوانی	سطح
۴۲	۱۵۰	کارمند دولت
۵۸	۲۰۰	کارمند شرکت خصوصی
۱۰۰	۳۵۰	کل

همچنین تمرکز قلمرو تحقیق به تفکیک سازمان‌ها عبارت از:

**جدول ۲- سازمان شغلی پاسخ دهنده‌گان**

درصد فراوانی	فراوانی	سازمان‌ها
۲۷	۹۵	بانک
۲۴	۸۵	بیمه
۱۶	۵۶	وزارتاخانه و موسسه دولتی
۳۳	۱۱۴	سایر شرکت‌ها
۱۰۰	۳۵۰	کل

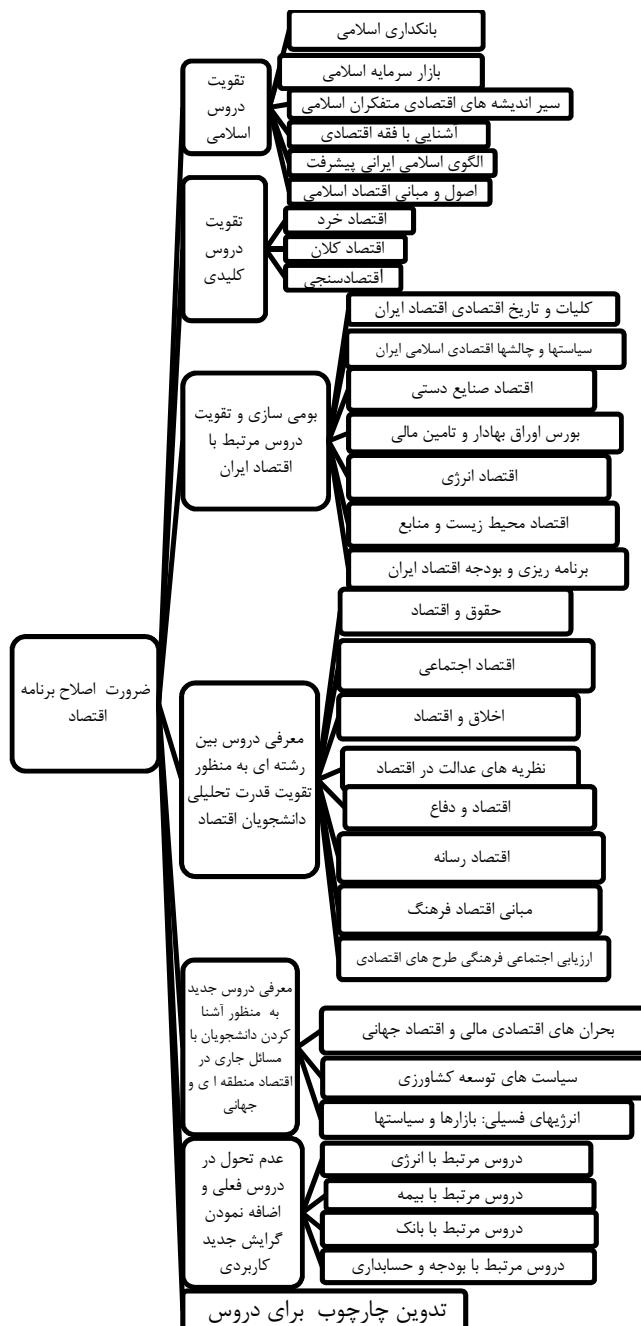
از نظر سطح تخصص اقتصادی، پاسخ دهنده‌گان به شرح ذیل می‌باشند:

**جدول ۳- سطح تخصص پاسخ دهنده‌گان**

درصد فراوانی	فراوانی	سطح سواد
%۵۷	۱۹۹	کارشناسی
%۲۹	۱۰۲	کارشناسی ارشد
%۱۴	۴۹	دکترا یا دانشجو اقتصاد
%۱۰۰	۳۵۰	کل

### تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی

پس از تعیین شاخص‌های اولیه تحول علوم اقتصاد در ادامه با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی به کمی سازی اولویت‌ها پرداخته می‌شود. بدین منظور ابتدا ساختار شاخص‌های اولویت‌بندی مشخص می‌شود. براساس برنامه تحول علم اقتصاد و بازنگری برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته و سایر منابع ضرورت‌ها و دروس پیشنهادی رشته اقتصاد از دیدگاه دانش‌آموختگان رشته بررسی خواهد گردید.



نمودار ۱ - ساختار تحلیل

پس از تعیین ساختار تحلیل سلسله مراتب گام‌های زیر برداشت می‌شود:

الف) طراحی پرسشنامه یا استفاده از زیر معیارهای استاندارد شده

ب) تعیین جامعه نمونه به صورت تعمدی و توزیع پرسشنامه مزایق اطلاعات فوق

(ج) تعیین وزن هر یک از معیارها و زیرمعیارها نسبت به یکدیگر توسط گروه قضاوت کارشناسی

بی اساس، جدول مقایسه زوچی، صورت خواهد گرفت

د) عملیات محاسبه داده‌ها از طریق محاسبه میانگین هندسی

و استخراج اولویت‌ها با «ترما»، سازی، و محاسبه «مانگین موزون»، و تعیین وزن نهایی.

جایگزین‌ها و درنهایت نرخ سازگاری که در روش "AHP" میزان نرخ ناسازگاری قابل تحمل کمتر از

۱۰۰ نظر گرفته شده است.

## AHP اولویت بندی معیارها با استفاده از روش

در زیر به اولویت بندی اقدامات لازم جهت اصلاح رشته اقتصاد استخراج گردیده‌اند پرداخت

می شود.

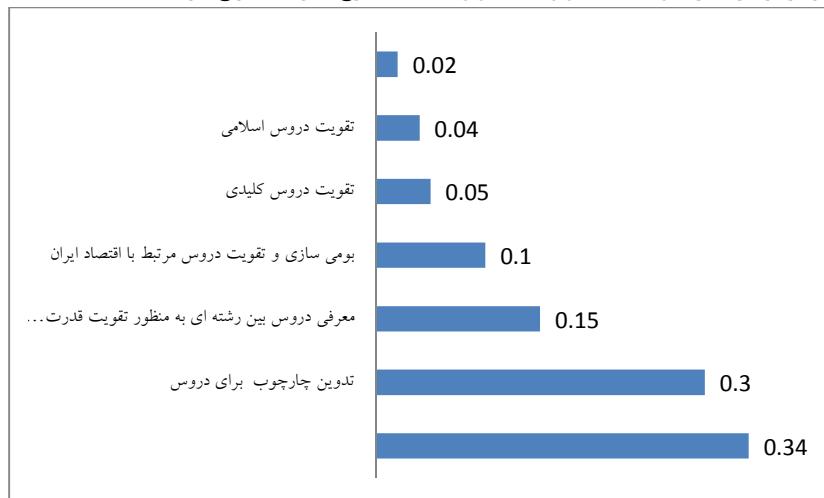
تعیین ماتریس زوچی

تدوین چارچوب برای دروس	عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جديد کاربردی	معرفی دروس جديد به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی	معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد	بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران	تقویت دروس کلیدی	تقویت دروس اسلامی	میانگین
0.20	0.14	0.16	0.24	1.31	0.10	1.00	تقویت دروس اسلامی
0.55	0.18	0.11	0.23	0.14	1.00	10.31	تقویت دروس کلیدی
0.39	0.16	0.32	0.08	1.00	7.18	8.39	بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران

0.42	0.23	0.16	1.00	11.98	4.33	4.13	معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد
0.37	0.09	1.00	6.17	3.09	9.27	6.35	معرفی دروس جديد به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی
0.43	1.00	10.63	4.34	6.21	5.70	7.23	عدم تحول در دروس و فعلی و اضافه نمودن گروایش جدید کاربردی
1.00	2.31	2.70	2.40	2.59	1.81	4.90	تدوین چارچوب برای دروس

#### جدول ۴- ماتریس زوچی

پس از نرمال سازی و محاسبه اولویت ها اولویت ها به شرح ذیل استخراج گردیدند.

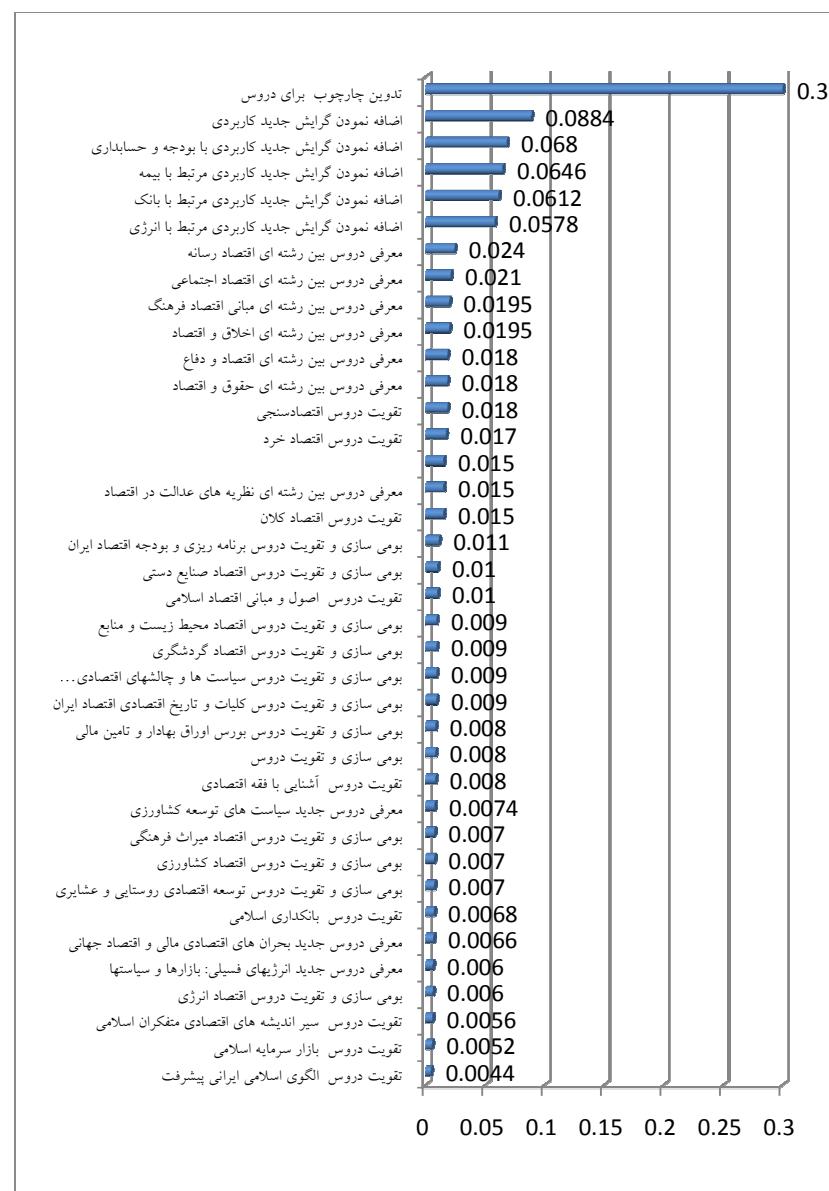


نمودار ۲- اولویت معیارهای تحول رشته اقتصاد

همچنین نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰.۰۷۲ است که به دلیل اینکه کمتر از ۰.۱ استاندارد قابل تحمل تحلیل سلسله مراتبی می باشد، پاسخ ها سازگار می باشند. همین روند محاسبه درخصوص زیرشاخص های فرعی انجام شده است .

#### اولویت بندی نهایی

در این قسمت به اولویت بندی کل زیر شاخص ها در تعیین اولویت اقدامات درخصوص اصلاح رشته اقتصاد پرداخته می شود. با توجه به نتایج بدست آمده از بخش های قبل این اولویت بندی به صورت زیر می باشد:



### نمودار ۳- وزنهای نهایی تحلیل سلسه مراتبی

با توجه به نتایج بدست آمده ملاحظه آموزش اقتصاد دارد. در مرحله بعد اضافه نمودن گرایش‌های کاربردی و اضافه نمودن دروس بین رشته‌ای، بیشتر مورد تقاضای شاغلین بازار کار می‌باشد.

#### جمع بندی

برخلاف رویه معمول اصلاح ساختار اقتصاد از نظر متخصصین اقتصاد شاغل در بازار ضرورت تدوین چارچوب برای دروس فعلی و همچنین اضافه نمودن دروس و گرایش‌های کاربردی معیارهای اولویت‌دار اصلاح رشته اقتصاد می‌باشد و تقویت دروس بومی سازی شده و آشنایی با بحران‌ها در اصلاح دوره کارشناسی کمتر توصیه می‌شود. لذا به نظر باید از دیدگاه نیاز بازار کار به این موضوعات در اصلاح رشته اقتصاد توجه ویژه شود.

## منابع

۱. احمدی، علی محمد، (۱۳۸۹)، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۸
۲. اصغری محمود، جستاری پیرامون اقتصاد رفاه/نقد و بررسی نظریه پاره تو، اندیشه حوزه، ۳۱، آذر و دی ۱۳۸۰
۳. انس الزرقا محمد (باقری مجتبی)، *تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام*، *فصلنامه موسسه مطالعات دین و اقتصاد*، ۲، پاییز ۱۳۸۵
۴. بختیاری صادق، *اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی*، *فصلنامه مفید*، ۲۳، پاییز ۱۳۷۹
۵. حائری سیدکاظم و یوسفی احمدعلی، *اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر*، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، ۱، سال اول
۶. دادگر یدالله و رحمانی تیمور، *مبانی و اصول علم اقتصاد*، تبریز، فروزان، ۱۳۹۱، ۱۳
۷. دادگر یدالله، کارآیی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف، *یدالله دادگر*، *مجله علمی پژوهشی نامه مفید*، ۱۷، بهار ۱۳۸۷
۸. دادگر یدالله، درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد، *تهران*، نشر نی، ۳، ۱۳۹۲
۹. درخشان، مسعود، (۱۳۹۱)، *بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی*، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال هفدهم، شماره ۵۲، ۵۲-۳۳
۱۰. زراء نژاد، منصور، (۱۳۹۲)، *مقدمه ای بر آموزش اقتصاد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی*، *پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال سیزدهم، شماره دوم، ۷۷-۸۸
۱۱. سیف احمد، درآمدی بر اقتصاد و تحولات در اندیشه‌ی اقتصادی، سایت [www.pecritique.com](http://www.pecritique.com)
۱۲. شاکری عباس، مروری تاریخی بر روند شکل گیری نظریه‌های اقتصاد کلان، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۳، تابستان ۸۴
۱۳. صادقی حسین، *اقتصاد خرد اسلامی*، *تهران*، *دانشگاه تربیت مدرس*، ۱، ۱۳۷۴
۱۴. صدر سیدکاظم، *تعامل علم اقتصاد و مکتب اقتصاد اسلامی*، *نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱
۱۵. عرب مازار عباس، *دانش اقتصاد اسلامی از امکان تا واقعیت*، *نشریه اقتصاد اسلامی* ۶، پاییز ۱۳۸۵
۱۶. عربی سیدهادی، از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری (بنیان‌های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه)، *نشریه روش شناسی علوم انسانی*، ۵۷، زمستان ۱۳۸۷

۱۷. قبری اکبر، مبنای ارزشی نظام اقتصاد اسلامی، نشریه نقد و نظر، ۲۱ و ۲۰، زمستان و بهار ۸۹-۷۸
۱۸. کارگروه تحول اقتصاد شورای تحول علوم انسانی، برنامه پیشنهادی اصلاح رشته اقتصاد، وزارت علوم، ۱۳۹۴
۱۹. کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شماره انتشار ۵۲۷، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۷
۲۰. لیارد پی. آر. جی و والترز ا. (شاکری عباس)، ثئوری اقتصاد خرد، تهران، نشری، ۸، ۱۳۹۲
۲۱. محتشم دولتشاهی طهماسب، مبانی علم اقتصاد، تهران، خجسته، ۴، ۱۳۸۱
۲۲. میرجلیلی سیدحسین، مروری بر اقتصاد کلاسیک و مکتب‌های آن، نشریه فرهنگ، ۶۶، تابستان ۱۳۸۷
۲۳. میرمعزی حسین و قائمی نیا علی اصغر، نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی، ۴۳، پاییز ۱۳۹۰

